

نظام جمعیت شهری در مناطق ایران با تاکید بر مطالعه تطبیقی منطقه البرز

جنوبی و خراسان¹

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۰۷/۱۳

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۵/۰۱/۱۱

جواد رحمانی* (دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز)
اسفندیار زبردست (استاد دانشکده شهرسازی دانشگاه تهران)

چکیده:

نظام شهری هر کشوری بیانگر چگونگی کنش و واکنش متقابل شهرهای آن کشور می‌باشد. در این تحقیق ابتدا به بررسی توزیع فضایی جمعیت شهری ده منطقه طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای (از سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰) پرداخته شده و سپس تحلیل نظام جمعیت شهری در بین ده منطقه کالبدی صورت گرفته است. از بین مناطق ده گانه طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای، دو منطقه البرز جنوبی (شامل استان‌های تهران، مرکزی، سمنان، زنجان، قزوین، قم و البرز) و خراسان (شامل استان‌های خراسان شمالی، خراسان رضوی، خراسان جنوبی) که به ترتیب دارای بیشترین و کمترین میزان تغییر و تحول بین مناطق ده گانه بوده‌اند انتخاب شده است. در ادامه تحلیل، شاخص‌هایی همچون تغییر جایگاه بیست شهر اول منطقه از سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰؛ تحلیل تعداد جمعیت واقعی و تعداد جمعیت ۲۰ شهر اول منطقه در رابطه با تئوری زیپف در سال ۱۳۹۰ و همچنین تحلیل‌های میزان نخست شهری و عدم تمرکز شهری در دو منطقه البرز جنوبی و خراسان؛ به صورت جداگانه انجام شده است. سرانجام با مقایسه دو منطقه خراسان و البرز جنوبی باهمدیگر و با مناطق کالبدی ملی منطقه‌ای مشخص گردید که منطقه البرز جنوبی به‌رغم اینکه جایگاهش در بین ده منطقه دچار تغییر و تحولی نشده ولی در تحولات درون منطقه‌ای دچار تحولات عظیم و بزرگی شده است و بالعکس منطقه خراسان که در تحولات بین منطقه‌ای دارای تغییر و تحول اساسی بوده، در تحولات درون منطقه از ثبات نسبی برخوردار بوده است. همچنین در این تحقیق مشخص گردید که با توجه به تحولات بین منطقه‌ای، نمی‌توان تحلیل و پیش‌بینی درون منطقه‌ای را نیز انجام داد.

واژه‌های کلیدی: نظام جمعیت شهری، ایران، مطالعه تطبیقی، مناطق البرز جنوبی و خراسان

* نویسنده رابط: J.rahmani@tabrizau.ac.ir

این مقاله مستخرج از پروژه درسی «مسائل شهرسازی معاصر» می‌باشد که در دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام شده است.

بیان مسئله و ضرورت تحقیق:

تحولات پیچیده اقتصادی و فنی که پس از انقلاب صنعتی شکل گرفته بود، موجب تغییرات عمیقی در اندازه شهرها، نسبت جمعیت ساکن در آنها و آهنگ رشد شهرنشینی گردید (ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۸۸؛ ۱۲۳). در نیمه دوم قرن بیستم، آنچه در سیاست‌های جمعیتی، بیشترین مباحث را در اطراف خود برانگیخت، رشد سریع جمعیت و تمرکز فزاینده آن در یک یا چند نقطه شهری در کشورهای مختلف بود. در ابتدا، غرب این پدیده را تئوریزه کرد و آن را نوعی ناهنجاری منجر به عدم تعادل و بی‌عدالتی در توزیع فرصت‌ها و ناکارآمدی نظام خواند (امکچی، ۱۳۸۳؛ ۱۳). در این میان، آنچه به‌عنوان نظام شهری شناخته می‌شود، تفاوت‌های فاحشی در کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه از خود نشان می‌دهد. به‌طور کلی، در مطالعات شهری و منطقه‌ای بررسی تعداد، کارکرد و پراکنش کانون‌های شهری و چگونگی توزیع جمعیت این سکونتگاه‌ها از جایگاه خاصی برخوردار است (تقوایی، ۱۳۷۹؛ ۱). در این مقاله، به این مسئله که آیا می‌توان از روی تحولات نظام شهری جمعیتی بین منطقه‌ای؛ به تحولات درون منطقه‌ای نیز پی برد؛ پرداخته شده است.

از اوایل هزاره‌ی جدید برای اولین بار در تاریخ بشر بیش از ۵۰ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند (ابراهیم زاده و اسدیان، ۱۳۹۲: ۱۸). در نیم‌قرن اخیر، در ایران توسعه سرمایه‌داری در چارچوب اقتصاد متکی به نفت، سبب رکود بخش کشاورزی و رشد سریع شهرها گردید. این رشد سریع شهرنشینی به‌صورت متعادل صورت نگرفت، بلکه سبب رشد شهرهای بزرگ و مانع رشد شهرهای کوچک و روستاها گردید (نظریان، ۱۳۷۴: ۱۵۱). بروز و گسترش بی‌عدالتی و نابرابری بین فضاهای مختلف کشور تابع عوامل درونی و بیرونی ساختار جغرافیایی-فضایی است (عباسی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۵). حرکت به سمت جامعه شهری و توسعه شهرنشینی دو مسئله را به همراه داشته است. اول: افزایش تعداد شهرها و دوم گسترش سریع برخی از آنها (خزاعی نژاد و قرخلو، ۱۳۹۱: ۵۲). جهت رسیدن به سلسله‌مراتی شهری متعادل، رعایت عدالت در توزیع بودجه و منابع مای و امکانات ضرورت دارد (سجادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹).

به‌طور کلی باید گفت با توجه به برآوردهای کارشناسی جمعیت ایران در سال ۱۴۰۰ به احتمال قریب به یقین نزدیک به ۱۰۰ میلیون نفر در شهرها زندگی خواهد

کرد و ما در این سال‌ها حداقل ۱۰ مادر شهر خواهیم داشت (ابراهیم زاده، ۱۳۸۳: ۱۶۳). گرایش به شهرنشینی در ده منطقه طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای در طول یک دوره پنجاه‌ساله از روند حاکم بر تحولات جمعیتی کل کشور تبعیت می‌کند؛ همچنین به دلیل اینکه مناطق مختلف کشور خود، جزئی از تقسیم‌بندی مناطق ده‌گانه طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای می‌باشد؛ در ابتدا به تحلیل و بررسی نظام جمعیت شهری در مناطق ده‌گانه پرداخته می‌شود. اینکه تغییر و تحولات نظام شهری جمعیتی بین ده منطقه کالبدی ملی و منطقه‌ای به چه میزان بر تحولات درون منطقه‌ای نیز تأثیر می‌گذارد یکی از بحث‌های مهم می‌باشد که در ادامه به تحلیل این موضوع پرداخته می‌شود.

مفاهیم و مبانی نظری:

قانون اندازه و رتبه ۱ و الگوی نخست شهری ۲ به ترتیب معرف نظام سکونت‌گاهی متعادل و توزیع غیر متوازن اندازه سکونت‌گاه‌های شهری می‌باشند. اقتصاددانان توسعه و جغرافی‌دانان به‌ویژه در دهه ۱۹۶۰ به نتایجی مبنی بر ساختار نظام‌های سکونت‌گاهی و سطح توسعه اقتصادی دست‌یافته‌اند. به اعتقاد آن‌ها، الگوی نخست شهری و قانون رتبه اندازه به‌مثابه دو انتها و کرانه‌های یک طیف و پیوستار توسعه تلقی می‌شوند.

ایده شهر برتر، شهری که به لحاظ جمعیت و توان و ظرفیت‌های اقتصادی در نظام شهری نسبت به دیگر شهرها وضعیت بسیار متناسب‌تری دارد در سال ۱۹۳۹ توسط مارک جفرسون مطرح گردید (Jefferson, 1939). این شهر که اغلب و نه همیشه پایتخت بوده سهم بزرگی از جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی کشور را به خود اختصاص می‌دهد. جفرسون برای تعیین درجه نخست شهری با استفاده از داده‌های جمعیت شهرها در ۴۴ کشور پیشرفته جهان، مشاهده کرد که در هیچ‌ده کشور اندازه شهر نخست دو برابر شهر دوم و در ده مورد دیگر شهر اول سه برابر شهر دوم جمعیت داشته است (Omura, 1986: 991).

¹ Rank size rule

² Primate city

لینسکی و آرنولد در تحقیق خود در مورد نخست شهرها در ۳۹ کشور جهان (آرژانتین، فرانسه، مکزیک، مصر، ایران، انگلستان، ژاپن، پاکستان، برزیل، ترکیه، کانادا، ویتنام و...) نسبت یا میزان نخست شهری را در نواحی متروپل‌های بالاتر از یک میلیون نفری بر اساس آمار ۱۹۵۵ محاسبه کردند. بر اساس این مطالعه بالاترین نسبت در ویتنام ۱۶,۳ و پایین‌ترین نسبت ۱ در کشور کانادا احتساب گردید. شاخص نخست شهری در آرژانتین، ایران، ترکیه، پاکستان و هند به ترتیب ۹,۱، ۹,۲، ۳,۳ و ۱,۵ و ۱,۳ بوده است (Linisky, 1969: 23).

در یک بررسی تاریخی از روند تکاملی شاخص‌هایی نخست شهری در کانادا کر جغرافیدان کانادایی به این نتیجه رسید که شاخص‌های نخست شهری از سال ۱۹۰۱ تا سال ۱۹۷۱ تدریجاً از ۱,۳ به ۱ تنزل یافته‌اند و تدریجاً به سمت الگوی مرتبه - اندازه در سیستم سلسله‌مراتب شهری میل کرده است (Kerr, 1968).

جورج زیپف در تعیین سلسله‌مراتب شهری قانون مرتبه - اندازه را ارائه نمود. در نظریه وی جمعیت شهرهای درجه دوم حدود $1/2$ شهر اول و شهرهای درجه سوم حدود $1/3$ شهر شاخص و شهرهای درجه n حدود یک n ام شهر اول است. او معتقد بود وجود همبستگی بین جمعیت شهرها و مرتبه آن‌ها خط مستقیم یا همبستگی خطی مطرح است؛ بنابراین، هراندازه سیستم شهری یک کشور توسعه پیدا کند، به الگوی توزیع نرمال نزدیک‌تر می‌گردد.

پیشینه تحقیق:

زبردست در مطالعه‌ای به بررسی نظام شهری ایران در طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۳۵ پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که توزیع نظام شهری کشور از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ با روند تمرکز بیش‌ازحد و یا نخست شهری بیشتر همراه بوده و از سال ۱۳۵۵ به بعد و تا ۱۳۷۵ به تدریج از تمرکز آن کاسته شده و به سمت توزیع متناسب‌تری در حال حرکت بوده است (زبردست، ۱۳۸۶: ۲۹).

در پژوهشی که علیرضا سیاف زاده و همکاران در سال ۱۳۹۱ با عنوان «بررسی روند تحولات الگوی نظام شهری استان مرکزی و چشم‌انداز آینده آن» انجام دادند، نتایج پژوهش نشان می‌دهد عدم تعادل فضایی در استان مرکزی مشهود است و باوجود ۲۷ نقطه شهری در این استان، رشد و گسترش شهری بیشتر مختص به دو

شهر اصلی و قطب صنعتی استان یعنی اراک و ساوه بوده است. همچنین باگذشت زمان برخلاف کاهش نخست شهری در استان مرکزی نظام شبکه شهری به سمت عدم تعادل میل کرده است. باوجود افزایش تعداد شهرهای کوچک، کاهش نسبت جمعیت این شهرها به شهرهای بزرگ در سال‌های اخیر اتفاق افتاده است؛ این در حالی است که جمعیت کاهش یافته در سطح شهرهای کوچک نظام شبکه شهری را به سمت عدم تعادل سوق داده است (سیاف زاده، ۱۳۹۱: ۱۷).

در پژوهشی دیگر با عنوان «تحلیلی بر ساختار فضایی جمعیت در نظام شهری استان اصفهان طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۳۵» توسط فاضل سوگل در سال ۱۳۹۱ انجام شده است، به منظور بررسی روند تغییرات نظام شهری و چگونگی پراکنش جمعیت و استقرار سکونتگاه‌های شهری استان اصفهان طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ از شاخص‌ها و مدل‌های مختلفی استفاده گردیده است. نتایج حاصل حاکی از آن است که هرچند نظام شهری استان طی پنجاه سال گذشته از نظر کلیه شاخص‌های ذکر شده تا حدود ناچیزی به سمت تعادل سوق یافته ولی در مجموع به دلیل وجود نخست شهر اصفهان و اختلاف فاحش جمعیتی آن با شهرهای بعدی، ناهمخوانی و عدم تعادل در سلسله مراتب شهری و توزیع فضایی جمعیت استان کاملاً مشهود است (سوگل و بیگ محمودی، ۱۳۹۱: ۱۴۳).

روش تحقیق:

با توجه به موضوع و ماهیت مقاله، روش تحقیق در این مقاله کمی-تحلیلی است. ابتدا با مراجعه به آمارنامه‌های جمعیتی، اطلاعات آمارهای مورد نیاز استخراج گردیده، سپس با استفاده از شاخص‌های نخست شهری، شاخص دو شهر، شاخص مهتا، شاخص کینزبرگ، شاخص موماوالوصابی، شاخص تمرکز هرفیندال، شاخص عدم تمرکز هندرسون و شاخص آنتروپی، میزان نخست شهری و تمرکز در نظام شهری ده منطقه طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای تجزیه و تحلیل شده است. سپس دو منطقه از این ده منطقه که یکی تغییر و تحول از لحاظ رتبه در بین مناطق دیگر نداشته و یکی منطقه‌ای که دارای تغییر و تحول زیادی بوده است را انتخاب کرده و سپس با شاخص‌های ذکر شده به بررسی دو منطقه از این ده منطقه پرداخته شده است.

محدوده مورد مطالعه:

فلسفه تهیه طرح‌های کالبدی فراهم آوردن موجبات و ابزارهای مدیریت یکپارچه سرزمین در برابر (یا علاوه بر) مدیریت بخشی است. مطالعات طرح کالبدی ملی از سال ۱۳۷۰ شروع و در سال ۱۳۷۵ به پایان رسیده و در نهایت در اسفندماه سال ۱۳۷۵ به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران رسید. (توفیق، ۱۳۸۴: ۴۸۴). در طرح کالبدی ملی، ایران به ده کلان منطقه (هر کلان منطقه شامل یک یا چند استان) تقسیم شده است.

ده منطقه کلان برنامه‌ریزی و استان‌های شامل آن‌ها عبارت‌اند از:

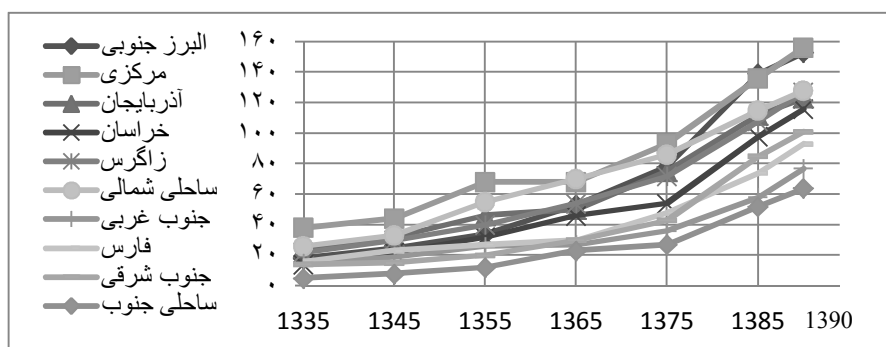
۱- آذربایجان (آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل)؛ ۲- زاگرس (همدان، کرمانشاه، کردستان، لرستان، ایلام)؛ ۳- جنوب غربی (خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد)؛ ۴- فارس (فارس)؛ ۵- مرکزی (اصفهان، یزد، چهارمحال و بختیاری)؛ ۶- البرز جنوبی (تهران، مرکزی، سمنان، زنجان، قزوین، قم)؛ ۷- ساحلی شمالی (گیلان، مازندران، گلستان)؛ ۸- ساحلی جنوب (هرمزگان، بوشهر)؛ ۹- منطقه خراسان (خراسان شمالی، خراسان رضوی، خراسان جنوبی)؛ ۱۰- جنوب شرقی (کرمان، سیستان و بلوچستان) (توفیق، ۱۳۸۴: ۴۹۲).

در این تحقیق مناطق مورد نظر، ابتدا ده منطقه طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای به صورت یکپارچه و باهم مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. سپس به دلیل اینکه مشخصی شود در تحولات درون منطقه‌ای، مناطقی که در تحلیل‌های بین منطقه‌ای تغییر و تحولی نداشته‌اند و یا بیشتر دچار تحول شده‌اند، چه اتفاقی در نظام جمعیتی شهری مناطق افتاده است؛ دو منطقه البرز جنوبی و خراسان را انتخاب می‌کنیم و دو منطقه البرز جنوبی و خراسان که به ترتیب دارای عدم تحول و بیشترین تحول جایگاه منطقه‌ای در بین ده منطقه طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای بوده‌اند، هر کدام به صورت جداگانه و جزئی‌تر و تحولات درون منطقه‌ای مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند.

توزیع فضایی جمعیت شهری ده منطقه طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای

بررسی روند تحولات جمعیتی ده منطقه طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای، حاکی از کاهش سهم جمعیت روستایی و افزایش سهم جمعیت شهری نسبت به کل جمعیت

منطقه است. به طوری که جمعیت شهرنشین منطقه از ۳۲ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۲ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۳۵ و ۱۳۹۰). بررسی رشد و توزیع جمعیت در مراکز شهری در دوره زمانی ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ بیانگر تغییر و تحولات اساسی در نظام شهرنشینی ده منطقه طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای است. افزایش مراکز شهری از ۲۰۱ نقطه شهری در سال ۱۳۳۵ به ۱۳۳۱ نقطه شهری در سال ۱۳۹۰ و افزایش جمعیت شهری نسبت به جمعیت روستایی از ۳۲ درصد، به ۷۲ درصد در همین مدت، نشانگر تغییرات جمعیتی اساسی در بازه زمانی ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ می‌باشد.



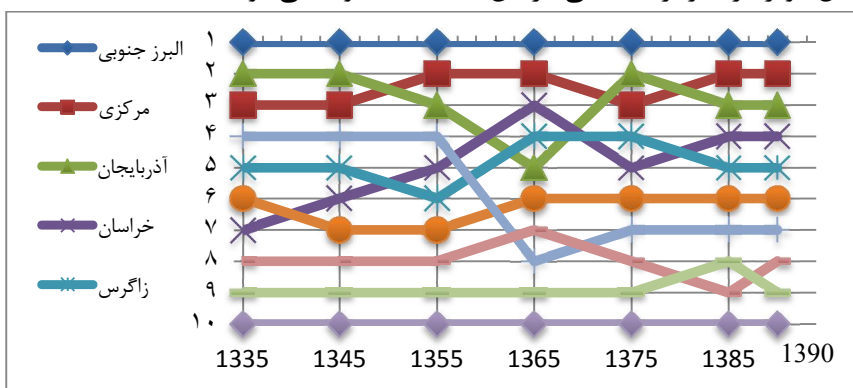
نمودار شماره ۱: تعداد شهرهای ده منطقه طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ (منبع: یافته‌های نگارنده)

سلسله‌مراتب شهری ده منطقه طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای در هفت دوره سرشماری عمومی

در طی این دوران بعضی مناطق در مقطعی از زمان در مرتبه پایین‌تری قرار داشته و در دیگر دوره صعود داشته‌اند. منطقه البرز جنوبی به‌عنوان یک منطقه برتر در طول ۷ دوره سرشماری مطرح بوده است. پس از منطقه البرز جنوبی، منطقه مرکزی که در سال ۱۳۳۵ در رتبه‌ی سوم قرار داشت در سال ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ در رتبه‌ی دوم، در سال ۱۳۷۵ در رتبه سوم و از سال ۱۳۸۵ در رتبه دوم قرار گرفته و تاکنون نیز در رتبه‌ی دوم قرار دارد. منطقه خراسان که در سال ۱۳۳۵ در جایگاه هفتم قرار داشت از سال ۱۳۸۵ جایگاه چهارم را به دست آورده است. نکته‌ی دیگر

اینکه منطقه جنوب غربی (خوزستان) که در سال ۱۳۳۵ در رتبه‌ی چهارم قرار داشت، در سال ۱۳۹۰ در به رتبه‌ی هفتم نزول پیدا کرده است.

نمودار شماره ۲ بیانگر تغییرات ده منطقه طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای در طی ۷ دوره سرشماری و مراتب نزول و صعود آنها می‌باشد. وجود درصد بالایی از اشتغال صنعتی و بخش خدمات و تمرکز زیاد مراکز اداری و کارکردهای درمانی فوق تخصصی با عملکرد منطقه‌ای، وجود شهرک‌های صنعتی، فرودگاه، راه‌آهن؛ از جمله عوامل مؤثر در تمرکز جمعیتی در این منطقه محسوب می‌شود.



نمودار شماره ۲: تغییر جایگاه‌های ده منطقه طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ (منبع: یافته‌های نگارنده)

یافته‌های تحقیق:

شاخص‌های نخست شهری:

صاحب‌نظران در بازشناسی میزان نابرابری‌های منطقه‌ای در کشورهای در حال توسعه، غالباً بحث را به سمت نوع خاصی از نابرابری فضایی می‌کشند که از آن با عنوان نخست شهری یاد می‌کنند. نخست شهر در نظام شهری، شهری است که بیشترین جمعیت را به خود اختصاص می‌دهد. مارک جفرسون معتقد بود که نخست شهری هنگامی پدید می‌آید که بزرگ‌ترین شهر در یک نظام شهری چند برابر شهر دوم باشد (عارف زاده، ۱۳۸۵؛ ۱۵۷). برای اندازه‌گیری شاخص‌های نخست شهری عمدتاً از معیار جمعیتی استفاده می‌کنند (بسطامی نیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۹). به عقیده کلارک، نخست شهر در مرتبه بندی اندازه‌های جمعیتی شهرهای یک کشور در ردیف اول قرار دارد و تفاوت جمعیت آن با دومین شهر در حد زیادی بالاست

(بهفروز، ۱۳۷۱؛ ۶۱). در سال ۱۳۳۵ جمعیت شهری ده منطقه طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای ۵۳۶۴۶۶۶۱ نفر بوده است که از این مقدار ۱۷۶۳۰۴۷۰ نفر در منطقه البرز جنوبی ساکن بوده‌اند.

جدول شماره ۱: میزان شاخص‌های نخست شهری در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰

۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	
۰/۱۷	۰/۱۹	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۱۶	۰/۱۷	۰/۱۱	شاخص نخست شهری
۲/۸۶	۳/۵	۳/۸۱	۴/۴۵	۳/۰۷	۳/۱۷	۳/۱۶	شاخص دو شهر
۱/۱۵	۱/۳۶	۱/۲۶	۱/۲۴	۱/۰۵	۱/۱۱	۱/۱	شاخص کینزبرگ
۰/۵۳	۰/۵۸	۰/۵۶	۰/۵۵	۰/۵۱	۰/۵۳	۰/۵۲	شاخص چهار شهر مهتا
۲/۵۹	۲/۸۴	۲/۳۷	۲/۰۹	۲/۱۳	۲/۲۴	۲/۲۲	شاخص موماو الوصابی
۰/۱۷	۰/۱۹	۰/۱۹	۰/۱۸	۰/۱۶	۰/۱۶	۰/۱۶	شاخص تمرکز هرفیندال

(منبع: یافته‌های نگارنده)

تحلیل شاخص‌های نخست شهری:

- میزان نخست شهری از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ تقریباً ثابت و بعداز آن کاهش یافته است؛
- شاخص دو شهر (در اینجا منطقه)، بیانگر عدم تعادل فضایی توزیع جمعیت و فاصله بسیار زیاد منطقه اول (البرز جنوبی) با منطقه دوم (مرکزی) است. این شاخص در سال ۱۳۳۵ افزایش یافته و در سال ۱۳۶۵ روند نزولی داشته است. در سال ۱۳۹۰ منطقه اول (البرز جنوبی) نزدیک به ۳ برابر منطقه دوم (مرکزی) جمعیت داشته است؛
- شاخص کینزبرگ به ما نشان می‌دهد که میزان تمرکز در سال ۱۳۳۵ افزایش یافته و از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ کنون روند کاهش داشته است؛ و بعد از سال ۱۳۷۵ نسبتاً افزایش پیدا کرده است.
- بر مبنای مقادیر پیشنهادی ریچاردسون در شاخص چهار شهر مهتا که ۰/۴۱ تا ۰/۵۴ را مطلوب می‌داند، در ده منطقه طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای در تمام طول دوره شاهد روند مطلوب هستیم؛
- شاخص موماو الوصابی که یکی از شاخص‌های نخست شهری است در سال ۱۳۳۵ افزایش یافته و در سال ۱۳۴۵ کاهش یافته و از سال ۱۳۷۵ نسبتاً افزایش یافته است.

- با توجه به اینکه شاخص‌های قبلی میزان نخست و یا تسلط شهر نخست بر نظام شهری بررسی می‌کردند، شاخصی نیز لازم است تا میزان تمرکز در کل نظام شهری و اینکه آیا در مقاطع مختلف زمانی از شدت تمرکز کاسته شده و نظام شهری به سمت تعادل نسبی پیش می‌رود یا نه را بررسی می‌کند (زبردست، ۱۳۸۶؛ ۳۵). برای این کار از شاخص هر فیندال استفاده می‌شود که در این تحقیق مشاهده می‌شود روند نظام شهری به‌گونه‌ای است که رو به تعادل نسبی حرکت می‌کند.
- برای بررسی اینکه آیا اثرات سیاست‌های اتخاذ شده منجر به ایجاد تعادل و یا عدم تعادل تمرکز فضایی شده‌اند اغلب از دو شاخص آنتروپی^۱ و شاخص عدم تمرکز هندرسون^۲ استفاده می‌شود (زبردست، ۱۳۸۶؛ ۳۵).
- شاخص آنتروپی و عدم تمرکز هندرسون مشخص می‌کند که روند توزیع به‌سوی تعادل می‌باشد.

جدول شماره ۲: میزان شاخص‌های تعادل در تمرکز در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰

۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	
۲/۰۱	۱/۹۶	۱/۹۸	۳/۱۱	۲/۰۸	۲/۰۷	۲/۰۷	شاخص آنتروپی
۵/۸	۵/۲۴	۵/۳۲	۵/۵۳	۶/۲۸	۶/۰۸	۳/۱۶	شاخص عدم تمرکز هندرسون

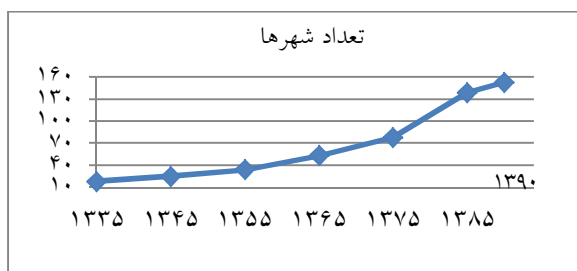
(منبع: یافته‌های نگارنده)

منطقه البرز جنوبی:

بررسی روند تحولات جمعیتی منطقه البرز جنوبی، حاکی از کاهش درصد جمعیت روستایی و افزایش سهم جمعیت شهری به‌کل جمعیت منطقه است. به‌طوری‌که جمعیت شهرنشین منطقه از ۲۰۰۳۶۵۸ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۱۷۶۳۰۴۷۰ نفر در سال ۱۳۹۰ رسیده است. افزایش مراکز شهری از ۱۸ نقطه شهری در سال ۱۳۳۵ به ۱۵۳ نقطه شهری در سال ۱۳۹۰ و افزایش جمعیت شهری نسبت به جمعیت روستایی از ۵۴ درصد، به ۹۰ درصد در همین مدت، اتفاق افتاده است.

¹ Entropy

² Henderson Deconcentration Index



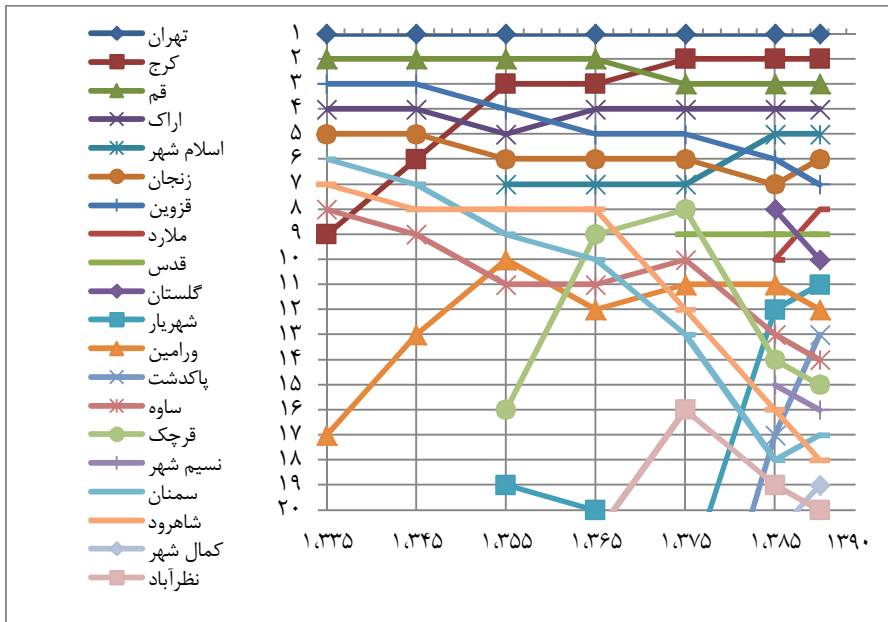
نمودار شماره ۳: تعداد شهرهای منطقه البرز جنوبی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰
(منبع: یافته‌های نگارنده)

سلسله‌مراتب شهری منطقه البرز جنوبی در هفت دوره مطالعه

رتبه‌بندی شهرهای منطقه البرز جنوبی در دوره‌های سرشماری مؤید عدم حضور و یا حضور بعضی از شهرها در برخی دوره‌های مورد مطالعه می‌باشد. همچنین بعضی شهرها در برخی دوره‌ها در مرتبه پایین‌تری قرار داشته و در دیگر دوره صعود داشته‌اند. شهر تهران به‌عنوان یک شهر برتر در طول ۷ دوره سرشماری مطرح بوده است. پس از تهران شهر کرج که در سال ۱۳۳۵ در رتبه‌ی نهم قرار داشت از سال ۱۳۷۵ در رتبه دوم قرار گرفته و تاکنون نیز در رتبه‌ی دوم قرار دارد شهر قم که از سال ۱۳۳۵ در رتبه‌ی دوم قرار داشت از سال ۱۳۷۵ جایگاه خود را به شهر کرج داده و خود در رتبه‌ی سوم جای گرفته است. نکته‌ی دیگر اینکه شهر قزوین که در سال ۱۳۳۵ در رتبه‌ی سوم قرار داشت، در سال ۱۳۹۰ در به رتبه‌ی هفتم نزول پیدا کرده است. از نکات قابل‌توجه اینکه، شهرهای قدیمی دچار افت شدیدی در رتبه‌بندی شده‌اند و شهرهای جدید اطراف شهر تهران جای آن‌ها را گرفته‌اند. برای مثال شهرهای سمنان و شاهرود نزول کرده‌اند و شهرهای اسلام‌شهر، ملارد، قدس جای آن‌ها را گرفته‌اند.

در دهه ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ میزان شهرنشینی و تعداد شهرها به‌طور چشمگیری افزایش یافت. در این دوره جمعیت وارد شده به استان تهران عمدتاً در روستاهای آن مستقر شدند. با شرایط پیش‌آمده، بزرگ‌ترین شهرهای استان تهران پس از تهران و کرج، یعنی اسلام‌شهر، قدس و قرچک و پاکدشت روستاهایی شکل گرفتند که به‌طور غیررسمی جمعیت پذیر و به‌اجبار به شهر تبدیل گشتند (رهنمایی و شاه‌حسینی، ۱۳۸۶: ۲۳۰-۲۲۹).

نمودار شماره ۴ بیانگر تغییرات بیست شهر اول منطقه البرز جنوبی در طی ۷ دوره سرشماری و مراتب نزول و صعود آنها می‌باشد. در این نمودار شهر تهران به‌عنوان شهر برتر در ۷ دوره سرشماری جایگاه خود را تثبیت کرده است. وجود درصد بالایی از اشتغال صنعتی و بخش خدمات و تمرکز زیاد مراکز اداری و کارکردهای درمانی فوق تخصصی با عملکرد منطقه‌ای، وجود شهرک‌های صنعتی، فرودگاه، راه‌آهن؛ از جمله عوامل مؤثر در تمرکز جمعیتی در این شهر محسوب می‌شود.



نمودار شماره ۴: تغییر جایگاه‌های ۲۰ شهر اول منطقه البرز جنوبی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰
(منبع: یافته‌های نگارنده)

بررسی الگوی مرتبه-اندازه بر اساس تئوری زیف در منطقه البرز جنوبی:

با عنایت بر قانون اندازه - مرتبه زیف چنانچه سکونت‌گاه‌ها را به ترتیب اندازه جمعیتی آنها مرتب کنیم، جمعیت شهر n ام برابر $\frac{1}{n}$ بزرگ‌ترین شهر منطقه خواهد بود (نظریان، ۱۳۷۳: ۷۰). در واقع این تئوری حد استاندارد جمعیت هر شهر را نشان می‌دهد. در این قسمت ۲۰ شهر اول منطقه را با قانون رتبه - اندازه زیف مقایسه کرده‌ایم و همان‌طور که در جدول شماره ۳ آمده است ما در تمامی شهرهای دوم تا بیستم کاهش جمعیت داریم؛ در واقع برای رسیدن به تعادل این شهرها نیازمند

افزایش بار جمعیتی یا شهر تهران نیازمند کاهش بار جمعیتی می‌باشد. در سال ۱۳۹۰ سه شهر میلیونی و ۱۱ شهر ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفری وجود دارد. از مجموعه ۲۰ شهر اول موجود در شبکه‌ی شهری منطقه در سال ۱۳۹۰ بالاترین رتبه متعلق به شهر تهران با ۸۱۵۴۰۵۱ نفر جمعیت و کمترین رتبه متعلق به شهر حلب با ۱۰۷۸۰۶ نفر جمعیت می‌باشد.

جدول شماره ۳: مرتبه، تعداد جمعیت واقعی و تعداد جمعیت ۲۰ شهر اول منطقه در رابطه

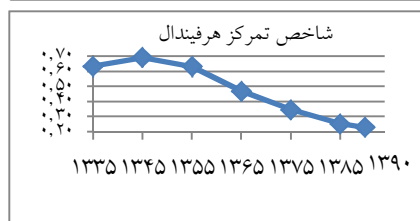
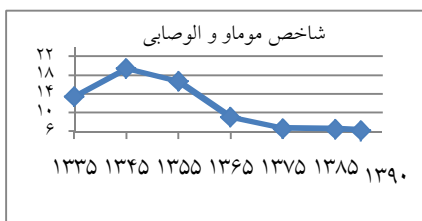
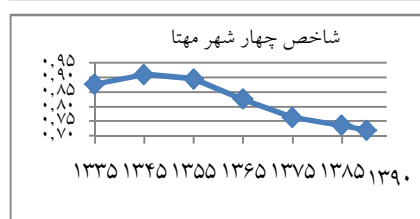
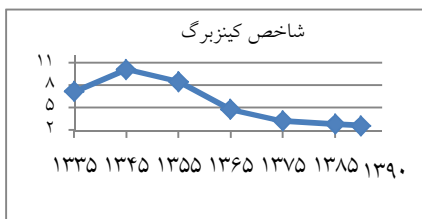
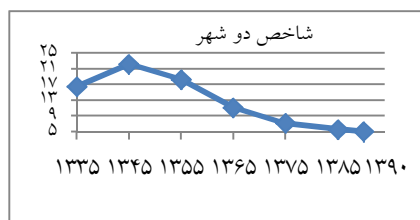
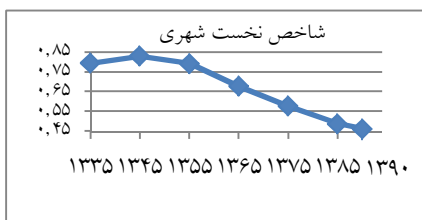
با تئوری زیپف در سال ۱۳۹۰

مرتبه شهر	نام شهر	جمعیت واقعی	جمعیت مطابق با تئوری زیپف	اختلاف نسبت به شهر اول
۱	تهران	۸۱۵۴۰۵۱	۸۱۵۴۰۵۱	۰
۲	کرج	۱۶۱۴۶۲۶	۴۰۷۷۰۲۶	-۲۴۶۲۴۰۰
۳	قم	۱۰۷۴۰۳۶	۲۷۱۸۰۱۷	-۱۶۴۳۹۸۱
۴	اراک	۴۸۴۲۱۲	۲۰۳۸۵۱۳	-۱۵۵۴۳۰۱
۵	اسلامشهر	۳۸۹۱۰۲	۱۶۳۰۸۱۰	-۱۲۴۱۷۰۸
۶	زنجان	۳۸۶۸۵۱	۱۳۵۹۰۰۹	-۹۷۲۱۵۸
۷	قزوین	۳۸۱۵۹۸	۱۱۶۴۸۶۴	-۷۸۳۲۶۶
۸	ملارد	۲۹۰۸۱۷	۱۰۱۹۲۵۶	-۷۲۸۴۳۹
۹	قدس	۲۸۳۵۱۷	۹۰۶۰۰۶	-۶۲۲۴۸۹
۱۰	گلستان	۲۵۹۴۸۰	۸۱۵۴۰۵	-۵۵۵۹۲۵
۱۱	شهریار	۲۴۹۴۷۳	۷۴۱۲۷۷	-۴۹۱۸۰۴
۱۲	ورامین	۲۱۸۹۹۱	۶۷۹۵۰۴	-۴۶۰۵۱۳
۱۳	پاکدشت	۲۰۶۴۹۰	۶۲۷۲۳۵	-۴۲۰۷۴۵
۱۴	ساوه	۲۰۰۴۸۱	۵۸۲۴۳۲	-۳۸۱۹۵۱
۱۵	قرچک	۱۹۱۵۸۸	۵۴۳۶۰۳	-۳۵۲۰۱۵
۱۶	نسیم شهر	۱۵۷۴۷۴	۵۰۹۶۲۸	-۳۵۲۱۵۴
۱۷	سمنان	۱۵۳۶۸۰	۴۷۹۶۵۰	-۳۲۵۹۷۰
۱۸	شاهرود	۱۴۰۴۷۴	۴۵۳۰۰۳	-۳۱۲۵۲۹
۱۹	کمال شهر	۱۰۹۹۴۳	۴۲۹۱۶۱	-۳۱۹۲۱۸
۲۰	نظرآباد	۱۰۷۸۰۶	۴۰۷۷۰۳	-۲۹۹۸۹۷

(منبع: یافته‌های نگارنده)

شاخص‌های نخست شهری:

در سال ۱۳۳۵ جمعیت شهری منطقه البرز جنوبی ۲۰۰۳۶۵۸ نفر بوده است که از این مقدار ۱۵۹۱۰۷۲ نفر در شهر تهران ساکن بوده‌اند.



نمودار شماره ۵: شاخص‌های نخست شهری در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰

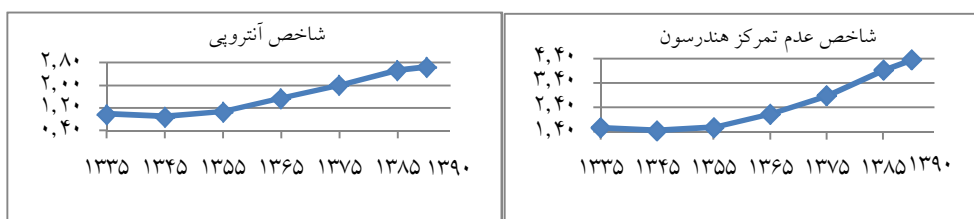
(منبع: یافته‌های نگارنده)

تحلیل شاخص‌های نخست شهری:

- نتایج محاسبه این شاخص‌ها نشان‌دهنده وجود پدیده نخست شهری در تمام طول این دوره است؛
- میزان نخست شهری از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ افزایش و بعداز آن تاکنون روندی کاهشی داشته است؛
- شاخص‌های دو شهر، کینزبرگ، چهار شهر مهتا، موما و الوصابی و هرfindال بیانگر عدم تعادل فضایی توزیع جمعیت و فاصله بسیار زیاد شهر اول (تهران) با

شهرهای بعدی می‌باشد و نشان می‌دهند که روند نظام شهری رو به تعادل نسبی حرکت می‌کند.

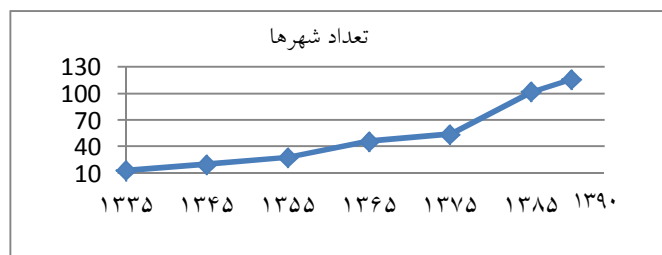
- با توجه به آنتروپی مشاهده می‌شود که روند توزیع به سوی تعادل می‌باشد.
- با عنایت به شاخص عدم تمرکز هندرسون^{۳۳} می‌بینیم تمرکز در نظام شهری با مرور زمان کاهش یافته است.



نمودار شماره ۶: میزان شاخص‌های تعادل در تمرکز در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰
(منبع: یافته‌های نگارنده)

منطقه خراسان:

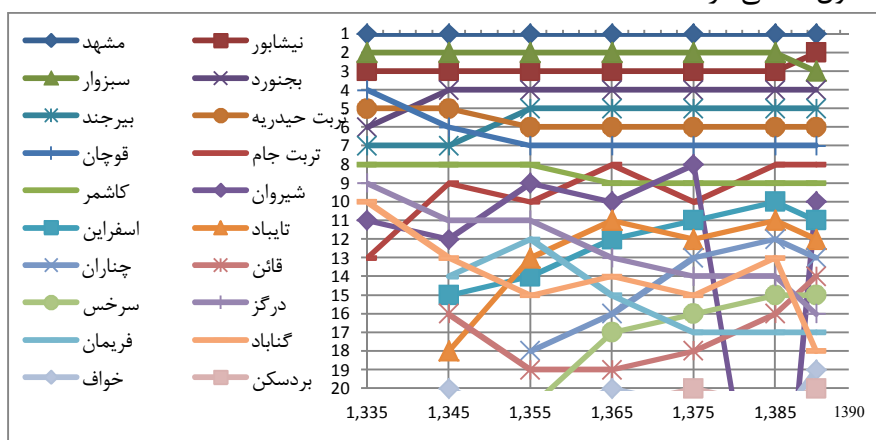
بررسی رشد و توزیع جمعیت در مراکز شهری در دوره زمانی ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ بیانگر تغییر و تحولات اساسی در نظام شهرنشینی منطقه است. افزایش مراکز شهری از ۱۳ نقطه شهری در سال ۱۳۳۵ به ۱۱۶ نقطه شهری در سال ۱۳۹۰ و افزایش جمعیت شهری نسبت به جمعیت روستایی از ۲۰ درصد، به ۶۸ درصد در همین مدت روی داده است.



نمودار شماره ۷: تعداد شهرهای منطقه خراسان از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰
(منبع: یافته‌های نگارنده)

سلسله مراتب شهری منطقه خراسان در هفت دوره مطالعه

رتبه‌بندی شهرهای منطقه خراسان در دوره‌های سرشماری مؤید عدم وجود و یا برعکس حضور بعضی از شهرها در برخی دوره‌های مورد مطالعه می‌باشد. همچنین بعضی شهرها در برخی دوره‌ها در مرتبه پایین‌تری قرار داشته و در دیگر دوره صعود داشته‌اند. شهر مشهد به‌عنوان یک شهر برتر در طول ۷ دوره سرشماری مطرح بوده است. پس از مشهد شهر نیشابور که از سال ۱۳۳۵ در رتبه‌ی دوم قرار داشت در سال ۱۳۹۰ در رتبه دوم قرار گرفته است. شهر سبزوار که از سال ۱۳۳۵ در رتبه‌ی دوم قرار داشت از سال ۱۳۹۰ جایگاه خود را به شهر نیشابور داده و خود در رتبه‌ی سوم جای گرفته است. نکته‌ی جالب این‌که هشت شهر اول منطقه در طی این مدت دچار تغییر و تحول خاصی در منطقه نشده‌اند.



نمودار شماره ۸: تغییر جایگاه‌های ۲۰ شهر اول منطقه خراسان از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰

(منبع: یافته‌های نگارنده)

بررسی الگوی مرتبه-اندازه بر اساس تئوری زیف در منطقه، در طی دوره‌های مورد مطالعه:

در این قسمت ۲۰ شهر اول منطقه را با قانون رتبه - اندازه زیف مقایسه کرده‌ایم و همان‌طور که در جدول شماره ۴ آمده است ما در تمامی شهرهای دوم تا بیستم کاهش جمعیت داریم؛ در واقع برای رسیدن به تعادل این شهرها نیازمند افزایش بار جمعیتی یا شهر مشهد نیازمند کاهش بار جمعیتی می‌باشد. در سال ۱۳۹۰ یک شهر میلیونی و دو شهر ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفری وجود دارد. از مجموعه ۲۰

شهر اول موجود در شبکه‌ی شهری منطقه در سال ۱۳۹۰ بالاترین رتبه متعلق به شهر مشهد با ۲۷۴۹۳۷۴ نفر جمعیت و کمترین رتبه متعلق به شهر بردسکن با ۲۶۱۰۷ نفر جمعیت می‌باشد.

جدول شماره ۴: مرتبه، تعداد جمعیت واقعی و تعداد جمعیت ۲۰ شهر اول منطقه در رابطه

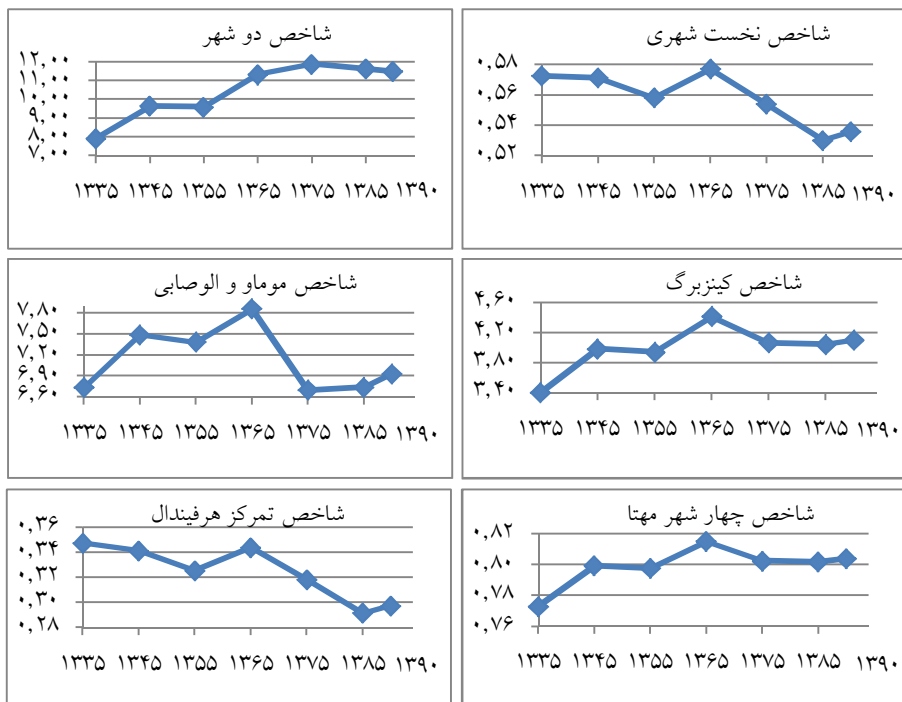
با تئوری زیپف در سال ۱۳۹۰

مرتبه شهر	اسم شهر	جمعیت واقعی	جمعیت مطابق با تئوری زیپف	اختلاف نسبت به شهر اول
۱	مشهد	۲۷۴۹۳۷۴	۲۷۴۹۳۷۴	۰
۲	نیشابور	۲۳۹۱۸۵	۱۳۷۴۶۸۷	-۱۱۳۵۵۰۲
۳	سبزوار	۲۳۱۵۵۷	۹۱۶۴۵۸	-۶۸۴۹۰۱
۴	بجنورد	۱۹۹۷۹۱	۶۸۷۳۴۴	-۴۸۷۵۵۳
۵	بیرجند	۱۷۸۰۲۰	۵۴۹۸۷۵	-۳۷۱۸۵۵
۶	ترت حیدریه	۱۳۱۱۵۰	۴۵۸۲۲۹	-۳۲۷۰۷۹
۷	قوچان	۱۰۳۷۶۰	۳۹۲۷۶۸	-۲۸۹۰۰۸
۸	ترت جام	۹۴۷۵۸	۳۴۳۶۷۲	-۲۴۸۹۱۴
۹	کاشمر	۹۰۲۰۰	۳۰۵۴۸۶	-۲۱۵۲۸۶
۱۰	شیروان	۸۸۲۵۴	۲۷۴۹۳۷	-۱۸۶۶۸۳
۱۱	اسفراین	۶۰۳۷۲	۲۴۹۹۴۳	-۱۸۹۵۷۱
۱۲	تایباد	۵۲۲۸۰	۲۲۹۱۱۵	-۱۷۶۸۳۵
۱۳	چناران	۴۸۵۶۷	۲۱۱۴۹۰	-۱۶۲۹۲۳
۱۴	قائن	۴۰۲۲۶	۱۹۶۳۸۴	-۱۵۶۱۵۸
۱۵	سرخس	۳۷۱۶۲	۱۸۳۲۹۲	-۱۴۶۱۳۰
۱۶	درگز	۳۷۰۵۴	۱۷۱۸۳۶	-۱۳۴۷۸۲
۱۷	فریمان	۳۶۵۵۰	۱۶۱۷۲۸	-۱۲۵۱۷۸
۱۸	گناباد	۳۶۳۶۷	۱۵۲۷۴۳	-۱۱۶۳۷۶
۱۹	خواف	۲۸۴۴۴	۱۴۴۷۰۴	-۱۱۶۲۶۰
۲۰	بردسکن	۲۶۱۰۷	۱۳۷۴۶۹	-۱۱۱۳۶۲

(منبع: یافته‌های نگارنده)

شاخص‌های نخست شهری:

در سال ۱۳۳۵ جمعیت شهری منطقه خراسان ۴۲۲۵۱۲ نفر بوده است که از این مقدار ۲۴۱۹۸۹ نفر در شهر مشهد ساکن بوده‌اند.



نمودار شماره ۹: شاخص‌های نخست شهری در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰

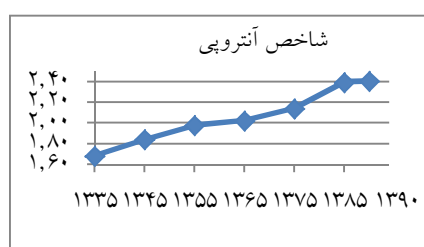
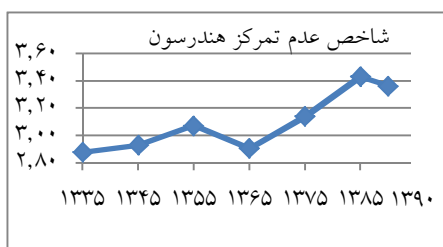
(منبع: یافته‌های نگارنده)

تحلیل شاخص‌های نخست شهری:

- نتایج محاسبه این شاخص‌ها نشان‌دهنده وجود پدیده نخست شهری در تمام طول این دوره است؛
- میزان نخست شهری از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ کاهش و در سال ۱۳۶۵ افزایش و تا سال ۱۳۸۵ دوباره کاهش یافته و سرانجام در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است؛
- شاخص دو شهر، بیانگر عدم تعادل فضایی توزیع جمعیت و فاصله بسیار زیاد شهر اول (مشهد) با شهر دوم استان (نیشابور تا سال ۱۳۸۵ و سبزوار در سال ۱۳۹۰)

است. این شاخص از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ افزایش یافته و از سال ۱۳۷۵ نسبتاً روند نزولی داشته است.

- بر مبنای مقادیر پیشنهادی ریچاردسون در شاخص چهار شهر مهتا که ۰/۶۵ را فوق برتری می‌داند، در منطقه خراسان در تمام طول دوره شاهد فوق برتری هستیم؛
- آنتروپی به ما نشان می‌دهد که روند توزیع به‌سوی تعادل می‌باشد.
- شاخص عدم تمرکز هندرسون نشان می‌دهد تمرکز در نظام شهری از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ کاهش و تا سال ۱۳۶۵ افزایش و تا سال ۱۳۸۵ کاهش یافته و در سال ۱۳۹۰ دوباره افزایش نسبی داشته است.



نمودار شماره ۱۰: میزان شاخص‌های تعادل در تمرکز در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰
(منبع: یافته‌های نگارنده)

نتیجه‌گیری:

از بررسی و تحلیل ده منطقه طرح کالبدی ملی و منطقه‌ای، متوجه می‌شویم که منطقه البرز جنوبی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ بدون تغییر و تحول در جایگاه نخست قرار داشته است و منطقه خراسان که در سال ۱۳۳۵ در جایگاه هفتم قرار داشت، در سال ۱۳۶۵ به جایگاه سوم صعود کرده، در سال ۱۳۷۵ به جایگاه پنجم نزول پیدا کرده و از سال ۱۳۸۵ جایگاه چهارم را در بین ده منطقه به دست آورده است.

در تحلیل جمعیتی نظام شهری منطقه البرز جنوبی که خود در طی ۶۵ سال بدون تغییر و تحول بود متوجه می‌شویم که در درون منطقه تحول عظیم و بسیاری صورت گرفته است. برای مثال به‌طوری‌که شهر کرج که در سال ۱۳۳۵ در جایگاه نهم قرار داشت از سال ۱۳۷۵ خود را به جایگاه دوم رسانده است. شهر اسلامشهر که از

سرشماری سال ۱۳۵۵ تکوین می‌یابد از همان ابتدا در جایگاه هفتم قرار گرفت و از سال ۱۳۸۵ خود را به جایگاه پنجم رسانده است. شهر قرچک نیز تغییر زیادی در جایگاهش کرده و از سال ۱۳۵۵ که در رده‌ی شانزدهم قرار داشت در سال ۱۳۷۵ به جایگاه هشتم صعود کرده ولی دوباره در سال ۱۳۹۰ به جایگاه پانزدهم نزول پیدا کرده است. همچنین شهری که جایگاهش تغییر و تحول اساسی در طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ کرده است شهر سمنان می‌باشد که از جایگاه ششمی در سال ۱۳۳۵ به جایگاه هفدهمی در سال ۱۳۹۰ رسیده است. شهر شاهرود نیز همچون شهر سمنان دچار تغییر خاصی در جایگاهش شده و از رتبه‌ی هفتمی در سال ۱۳۳۵ به رتبه‌ی هیجدهمی در سال ۱۳۹۰ رسیده است.

حال در درون منطقه خراسان علی‌رغم اینکه خود منطقه خراسان در بین ده منطقه دچار تغییر و تحول شدیدی شده است، خبری از تغییر و تحول زیادی نیست. به‌طوری تقریباً هشت شهر نخست منطقه در سال ۱۳۹۰، طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ دچار افت‌وخیز شدیدی در جایگاهشان نشده‌اند. تغییر و تحول جایگاه شهرهای منطقه خراسان نسبت به منطقه البرز جنوبی قابل قیاس نیست.

در تحولاتی که در بین مناطق ده‌گانه اتفاق افتاده است، اصلی‌ترین دلیلی که باعث شده تا منطقه البرز جنوبی جایگاهش را در تمامی دوران بتواند حفظ نماید، وجود شهر تهران در این منطقه است. شهر تهران با داشتن تفاوت‌های چشمگیر سطح درآمد و امکانات بهداشتی و تفریحی و سایر خدمات شهری باعث شده است تا در مقایسه با دیگر مناطق کشور باعث هجوم مهاجران به این شهر بشود. تجمع و تمرکز بی‌رویه سرمایه‌گذاری‌ها در تهران موجب گردیده که سایر شهرستان‌ها به‌ویژه روستاهای کشور، هنگام تخصیص بودجه و تقسیم امکانات تا حدی بی‌بهره بمانند. از آنجاکه سرمایه‌گذاران همواره درصدد بالا بردن میزان سود خود هستند می‌کوشند مؤسسات مالی و تجاری و تولیدی خود را حتی‌الامکان در نزدیک‌ترین فاصله به شهرها و مراکز جمعیتی تأسیس کنند تا از میزان هزینه‌های گوناگون مانند هزینه‌ی حمل‌ونقل و کالا و مواد اولیه بکاهند و بر میزان سود خود بیفزایند. همین دلایل به‌علاوه اینکه جمعیت واردشده به استان تهران به دلایل همچون گرانی زمین و مسکن در شهر تهران و توزیع خدمات و فعالیت‌ها در سطح استان تهران، مهاجران را جذب روستاهای اطراف کرد. بدین ترتیب روستاهای اطراف شهر تهران رفته‌رفته

بزرگ‌تر گشته و به شهر تبدیل شدند و جایگاه شهرهای قدیمی همچون سمنان و شاهرود را تصاحب کردند.

منطقه خراسان نیز به دلیل قرارگیری وجود حرم مطهر امام رضا (ع) در شهر مشهد و مهاجرت‌هایی که به همین دلیل به این منطقه صورت باعث شد تا منطقه خراسان نیز به تبع شهر مشهد دچار ازدیاد جمعیت و رشد جمعیتی شود و باعث رشد منطقه خراسان بین بقیه مناطق کشور شود. ولی شهر مشهد به دلیل توانایی جذب کلیه مهاجرت‌ها به خود و تبدیل شدن به دومین کلان‌شهر کشور در سال‌های اخیر و به وجود نیامدن شهرهای جدید با جمعیت‌پذیری بالا باعث گردید تا درون منطقه خراسان دچار تغییر و تحول خاصی نگردد.

برای رسیدن به تعادل در مناطق ده‌گانه کشور و جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه به کلان‌شهرها و برهم خوردن تعادل نظام جمعیت شهری کشور پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

- کنترل رشد شهرهای بزرگ و کلانشهر در جهت تمرکز زدایی خدمات و فعالیت‌ها
- اتخاذ و تداوم بلند مدت سیاست‌های تمرکز زدایی و توزیع سلسله مراتبی فرصت‌های اشتغال و خدمات
- تغییر رویکرد بخشی نگر به رویکرد مکانی و فضایی محور در برنامه‌ریزی توسعه ملی
- شناسایی منابع و امکانات مناطق مستعد و تعیین قطب‌های توسعه و تمرکز سرمایه‌گذاری در آن‌ها با تأکید بر استراتژی قطب‌های توسعه
- تقویت شهرهای اصلی شبکه بین شهری از شهرهای کوچک تا کلان شهرها
- تمرکززدایی از کلان‌شهرها و افزایش اختیارات استان‌ها در توسعه مناطق خود
- تجهیز زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی مناطق متناسب با برنامه‌های آمایش سرزمین
- ایجاد نظام جامعه اطلاعات منطقه‌ای و بانک اطلاعات منطقه‌ای
- هماهنگی سیاست‌های توسعه فضایی با سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی، فعالیت‌های مقامات محلی
- توسعه و عمران مناطق با تأکید بر برنامه ریزی یکپارچه توسعه شهری و روستایی

منابع و مأخذ:

۱. ابراهیم زاده و اسدیان، عیسی و مرتضی (۱۳۹۲). تحلیل و ارزیابی میزان تحقق‌پذیری حکمروایی خوب شهری در ایران، مورد شناسی: شهر کاشمر، جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای، شماره ۶، زاهدان.
۲. ابراهیم زاده و رفیعی، عیسی و قاسم (۱۳۸۸). تحلیلی بر الگوی گسترش کالبدی - فضایی شهر مرودشت با استفاده از مدل‌های آنتروپی شانون و هلدرن و ارائه الگوی گسترش مطلوب آتی آن، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۹، پاییز، تهران.
۳. امکچی، حمیده (۱۳۸۳). شهرهای میانی و نقش آن‌ها در چارچوب توسعه ملی، مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی، تهران.
۴. بسطامی نیا، صفائی پور، ملکی، تازش، امیدی پور؛ امیر، مسعود، سعید، یوسف، کورش (۱۳۹۶). سیرتحوالات سلسه مراتب شهری در استان خوزستان طی دهه های (۸۵-۱۳۳۵)، فصل نامه آمایش محیط، شماره ۳۶.
۵. بهفرروز، فاطمه (۱۳۷۱). تحلیل نظری- تجربی برای متعادل‌سازی توزیع جمعیت در سیستم شهرهای ایران، مجله پژوهش‌های جغرافیا، تهران.
۶. تقوایی، مسعود (۱۳۷۹). کاربرد مدل رتبه - اندازه در بازیابی و تعادل بخشی نظام شبکه شهری در ایران، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۲۲ و ۲۳، اصفهان.
۷. توفیق، پیروز (۱۳۸۴). آمایش سرزمین: تجربه جهانی و انطباق آن با وضع ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
۸. جمالی، حسین زاده دلیر و حاتمی علمداری، فیروز، کریم و ایرج (۱۳۹۱). تغییرات ساختاری اقتصادی و بنیان‌های جدید برنامه‌ریزی فضایی شهری و منطقه‌ای کلان‌شهرها، مورد شناسی: کلان‌شهر تبریز، جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای، شماره ۵، زاهدان.
۹. حکمت نیا و موسوی، حسن و میر نجف (۱۳۸۵). کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای، انتشارات علم نوین، یزد، چاپ اول، یزد.

۱۰. خزاعی نژاد و قرخلو، فروخ و مهدی (۱۳۹۱). مطالعه روند تغییرات سکونت جمعیت در مجموع شهری تهران، جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای، شماره ۳، زاهدان.
۱۱. رهنمایی و شاه‌حسینی، محمدتقی و پروانه (۱۳۸۶)، فرایند شکل‌گیری و رشد شهرهای ایران، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۷۴-۷۳.
۱۲. زبردست، اسفندیار (۱۳۸۶). بررسی تحولات، نخست شهری در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۹ بهار، تهران.
۱۳. زیاری، کرامت اله (۱۳۸۴). بررسی سلسله‌مراتب شهری در استان آذربایجان غربی، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد هجدهم، شماره ۱، اصفهان.
۱۴. سجادی، اسکندرپور، رستمی، ژیلا، مجید، هادی (۱۳۹۴). تحلیل تغییرات شبکه شهری استان همرا در یک دوره ۵۰ ساله (۱۳۸۵-۱۳۳۵)، فصل نامه آمایش محیط، شماره ۳۰.
۱۵. سوگل و بیک محمودی، فاضل و حسن (۱۳۹۱)، تحلیلی بر ساختار فضایی جمعیت در نظام شهری استان اصفهان طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۳۵، آمایش محیط، دوره ۵، شماره ۱۹، زمستان.
۱۶. سیاف زاده، علیرضا و همکاران (۱۳۹۱)، بررسی روند تحولات الگوی نظام شهری استان مرکزی و چشم‌انداز آینده آن، جغرافیا و پایداری محیط، شماره ۴، پاییز.
۱۷. فرهودی، رحمت‌الله و همکاران (۱۳۸۸). چگونگی توزیع فضایی جمعیت در نظام شهری ایران طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دانشگاه تهران، شماره ۶۸، تابستان.
۱۸. عارف زاده، محمدمین (۱۳۸۵). مدل تطبیق سازی نخست شهر و شاخص چهار شهر در تقسیمات استان خراسان، مجله علوم جغرافیایی، شماره ۱، بهار، تهران.
۱۹. عباسی، مریانجی، امیدوی نژاد، حامد، زهره، احمد رضا (۱۳۹۵). افتراق جغرافیایی- فضایی در محلات شهر خرم آباد، فصل نامه آمایش محیط، شماره ۳۴.
۲۰. مرکز آمار ایران، نتایج تفضیلی زنجار، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵.
۲۱. مرکز آمار ایران (۱۳۳۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، تهران.

۲۲. مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، تهران.
۲۳. نظریان، اصغر (۱۳۷۴). جغرافیای شهری ایران، انتشارات پیام نور، تهران.
24. Jefferson, Mark, (1939). The law of primate city. Geographical review, Vol 29, No 2, April 1939, pp: 226-232
25. Omuta, Gideon.E.D and Onokbrhoraye.A.G, (1986). Regional Development and planning for Africa, university of Benin.
26. Linisky, Arnolds, (1969). Some Generalization Concerning Primate Cities, printed in: Gerald Breese.ed The city in newly developing countries: reading on Urbanism and Urbanization, Prentic Hall, Inc, Englewood Cliffs, N.J.USA
27. Kerr, D, (1968). Metropolitan Dominance in Canada. Printed in J.Warkent in, Ed, Canada: A Geographical Interpretation, Toronto: Methuen.